



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی گرایش زبان‌شناسی همگانی

بررسی روش‌شناسی زبان‌شناسی بر مبنای فلسفه‌ی علم

استاد راهنما

دکتر امیر کرباسی‌زاده

استاد مشاور

دکتر لاله قدکیور

پژوهشگر

وحید موسوی

اسفندماه ۱۳۸۷

تقدیم به دوست و استاد گرامی

“رضا قریب”

## سپاسگزاری

لازم می‌دانم از زحمات آقای دکتر امیر کرباسی‌زاده و خانم دکتر لاله فدکپور، استادان راهنما و مشاور رساله - و استادان فلسفه‌ی مؤسسه‌ی حکمت و فلسفه‌ی ایران - که برای آماده شدن این پایان‌نامه، حوصله و وقت بسیاری صرف کردند و گاه حتی زیاده‌گویی‌های من را نیز تحمل کردند(!) سپاسگزاری کنم.

همچنین از آقایان دکتر مهدی نسرین - استاد فلسفه‌ی مؤسسه‌ی حکمت و فلسفه‌ی ایران - و دکتر مصطفی عاصی - استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - که زحمت داوری این رساله را پذیرفتند نیز متشکرم.

همچنین شایسته است از زنده‌یاد دکتر سهراب علوی‌نیا، استاد مشاور اولیه‌ی این رساله و استاد فلسفه‌ی دانشگاه شهید بهشتی - که در ماه‌های ابتدایی این کار، درگذشتند - نیز نام برده و یاد او را گرامی دارم.

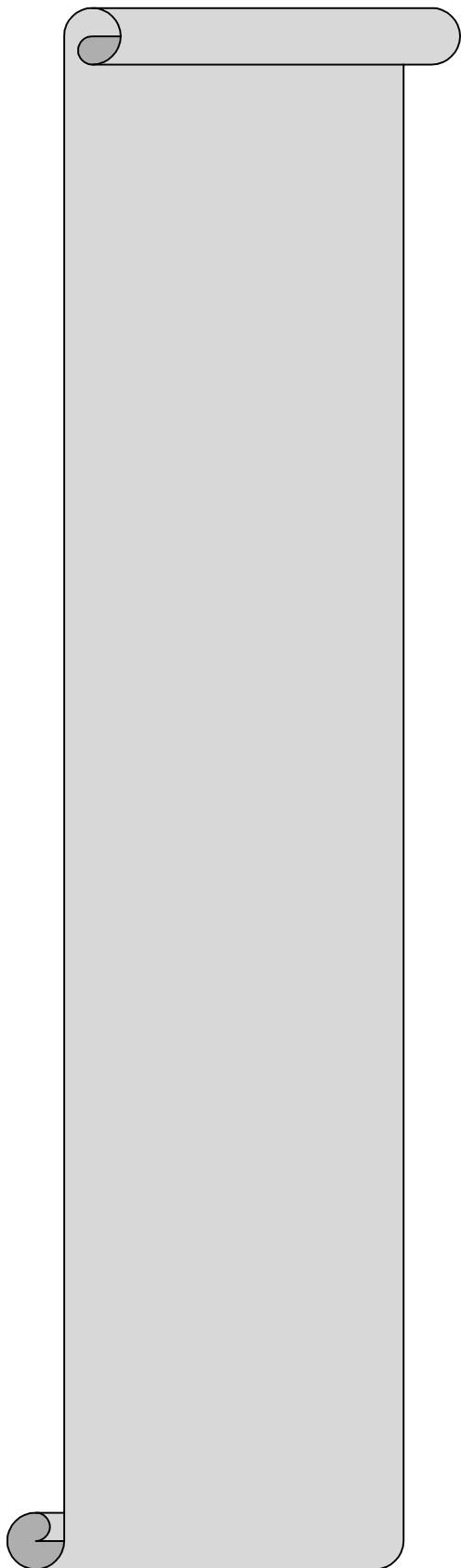
## چکیده

در این مطالعه که به موضوع "بررسی روش‌شناسی زبان‌شناسی بر مبنای فلسفه‌ی علم" اختصاص داشت، از این عقیده دفاع شد که زبان‌شناسی می‌تواند به عنوان یک حوزه‌ی علمی محسوب شود. البته با توجه به شواهد و داده‌های مورد استفاده در زبان‌شناسی، بحث وجود قوانین در زبان‌شناسی و چگونگی رویکرد این حوزه به جهان خارج، این نظر مطرح شد که زبان‌شناسی، حوزه‌ای همانند فیزیک یا شیمی (علم به معنای دقیق) نیست، در واقع، حوزه‌ای از علوم طبیعی یا تجربی (به معنای سنتی) نیست. اما در مقابل، این نظر بیان شد که زبان‌شناسی را در میان دانش‌های انسانی (مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی) نیز نمی‌توان جای داد، چرا که زبان‌شناسی دارای ملاک‌های ویژه‌ای (مانند عینیت و قانون) است که در میان علوم انسانی، کمتر نظیری دارد و علاوه بر آن، موضوع زبان‌شناسی، یعنی زبان، اگرچه از مشخصات خاص انسان است، ولی از نظر شیوه‌ی بررسی و مطالعه، می‌تواند به عنوان موضوعی جدا از انسان و به گونه‌ای "علمی" مطالعه شود. همچنین، زبان‌شناسی از منظر استقرا و قیاس مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که روش‌های زبان‌شناسی نیز مانند دیگر علوم، مبتنی بر کاربرد استقرا هستند. همچنین وجود پارادایم و انقلاب‌های علمی در تاریخ زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و اظهار گردید که در تاریخ زبان‌شناسی، مفهوم پارادایم به معنای دقیق و فیزیکی آن وجود ندارد، اگرچه می‌توان الگوهای نسبتاً مسلطی را در تاریخ زبان‌شناسی سراغ گرفت که باعث تغییر مسیر آثار و افکار زبان‌شناختی شده است. در نهایت، بر مستقل و ویژه بودن حوزه‌ی زبان‌شناسی در میان علوم و دانش‌های مختلف تأکید شد.

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش	۱
۱-۱. مقدمه	۲
۲-۱. موضوع و اهداف پژوهش	۴
۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش	۵
۴-۱. پرسش‌های پژوهش	۶
فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش	۷
۱-۲. منابع فارسی	۹
۲-۲. منابع غیرفارسی	۱۲
فصل سوم: مبانی نظری پژوهش	۱۷
۱-۳. علم چیست؟	۱۸
۲-۳. فلسفه‌ی علم چیست؟	۲۴
۳-۳. روش‌شناسی و روش علمی چیست؟	۳۰
۴-۳. فلسفه‌ی زبان‌شناسی چیست؟	۳۷
۵-۳. خلاصه	۴۰
فصل چهارم: مباحث اصلی	۴۱
۱-۴. ملاک‌های روش‌شناختی	۴۲
۱-۱-۴. تعریف، اهداف و پرسش‌های زبان‌شناسی	۴۲
۲-۱-۴. ماهیت و روش‌های گردآوری شواهد در زبان‌شناسی	۴۹
۳-۱-۴. جایگاه زبان‌شناسی در میان علوم	۷۱

۷۸	..... کاربرد استقرا و قیاس در زبان‌شناسی
۸۲	..... ملاک‌های مفهومی
۸۲	..... قانون در زبان‌شناسی
۹۶	..... تبیین و علیت در زبان‌شناسی
۱۰۳	..... عینیت در زبان‌شناسی
۱۰۸	..... پارادایم در زبان‌شناسی
۱۱۵	..... تحدید علم و ابطال‌گرایی در زبان‌شناسی
۱۱۹	..... فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۱۲۵	..... کتاب‌نامه



# فصل اول

## کلیات پژوهش

## ۱-۱. مقدمه

اگر از بسیاری از استادان، متخصصان و دانشجویان حوزه‌ی زبان‌شناسی بپرسیم که آیا زبان‌شناسی یک علم است یا خیر، آنها بدون شک و بدون کمترین تردیدی پاسخ مثبت می‌دهند و می‌گویند که زبان‌شناسی را به عنوان یک علم باور دارند. حال اگر در میان این استادان و کارشناسان این رشته، کسی باشد که با نظرات عمده‌ی فلسفه‌ی علم آشنا باشد، شاید با کمی تردید به پرسش ما پاسخ دهد و پاسخ دقیق را به فیلسوفان علم واگذار کند. عموم مردم نیز اگر با حوزه‌ی زبان‌شناسی آشنا باشند، آن را به عنوان یک علم قبول دارند و افراد متخصص در زبان‌شناسی (یا افراد کارشناس در زبان‌های خارجی) را به عنوان دانشمند می‌شناسند. در مجموع، در میان رشته‌های علوم انسانی مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، وضع به همین گونه است و بیشتر کسانی که در این حوزه‌ها کار می‌کنند، حوزه‌ی خود را به عنوان یک علم قبول دارند و حتی در مقابل نظرات مختلف، بر علم بودن حوزه‌ی مطالعاتی خود تأکید ویژه‌ای خواهند داشت. برای نمونه، به تعاریف زیر توجه کنید:

- زبان‌شناسی اجتماعی، یک علم تجربی است (وارداف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶، ص. ۱۸).
- در آنچه که به زبان‌شناسی مربوط می‌شود، تأکید بر ویژگی علمی ... پژوهش، اهمیت خاصی دارد (مارتینه، ۱۳۸۰، ص. ۶)
- جامعه‌شناسی را می‌توان مطالعه‌ی علمی زندگی گروهی انسان‌ها تعریف کرد... جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته‌ی علمی، غیر از فلسفه‌ی اجتماعی است... (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۱۵).
- روان‌شناسی رشد، علمی است که جریان تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر... مطالعه می‌کند (سیف و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۳).

نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که بسیاری از متخصصان رشته‌های مختلفی مانند زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، بدون هیچ‌گونه تردیدی، رشته‌های خود را به عنوان رشته‌هایی "علمی" تلقی و به مخاطب معرفی می‌کنند. این روند، همانطور که اشاره شد، امروزه بسیار عادی است و تردیدی را بر نمی‌تابد.

اما با مراجعه به حوزه‌های مانند فلسفه‌ی علم، که "شاخه‌ای از فلسفه است که بر بررسی انتقادی علوم، روش‌ها و نتایج آنان متمرکز است" (آئودی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ص. ۷۰۰)، و با بررسی سابقه‌ی علوم و به خصوص علوم انسانی توسط فیلسوفان، روشن خواهد شد که مسئله‌ی علم نامیدن علوم انسانی چندان هم بدون مناقشه نیست و تردیدهای فراوانی در این مورد وجود داشته است و هنوز هم وجود دارد. ملاک‌های مختلفی که در فلسفه‌ی

---

<sup>1</sup> Wardhaugh

<sup>2</sup> Audi



علم برای تفکیک علم از غیر علم ارائه می‌شود، در بسیاری موارد، در مورد علوم انسانی مصداق ندارد و در نتیجه، آن را از شمول "علم" به معنای دقیق خارج می‌کند. برای نمونه، ملاک "اثبات‌پذیری" در فلسفه‌ی تجربه‌گرایان منطقی و ملاک "ابطال‌گرایی" در فلسفه‌ی پوپر<sup>1</sup>. از طرف دیگر، بحث و جدل فراوانی که در مورد ملاک‌های مذکور و حدود علم و ویژگی‌های آن وجود دارد، بحث علمی بودن شاخه‌های مختلف دانش بشری را با مشکلی مضاعف روبه‌رو کرده است. به طور خلاصه، در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم، چالش‌های بسیاری بر سر راه تعریف علم و ویژگی‌های آن، و همچنین، کاربرد مفهوم علم در مورد علوم انسانی وجود دارد که به آسانی قابل رفع نیست. موضوع این پایان‌نامه نیز با موارد بالا در ارتباط است و البته موضوع فوق را به حوزه‌ی زبان‌شناسی محدود کرده است. این پایان‌نامه درصدد است با مطرح کردن بحث‌هایی مانند علمی بودن زبان‌شناسی، شباهت زبان‌شناسی با علوم دیگر، و صدق ملاک‌های مختلف علمی بودن در مورد زبان‌شناسی، ضمن پرداختن به بحث تعریف علم، وضعیت زبان‌شناسی را به عنوان یک حوزه از دانش بشری روشن نماید. لازم به ذکر است که هدف این پایان‌نامه، توضیح قطعی وضعیت زبان‌شناسی یا دفاع متقن از علم بودن یا انکار بی‌چون‌وچرای علم بودن آن نیست، بلکه درصدد است نظراتی را که تاکنون در این مورد مطرح شده است، گردآورده و خلاصه این بحث و جدل‌ها را به نمایش بگذارد، هر چند که نگارنده‌ی پایان‌نامه نیز نظرات شخصی خاصی دارد که در پایان و در بخش نتیجه‌گیری بیان خواهد شد.

---

<sup>1</sup> Popper

## ۱-۲. موضوع و اهداف پژوهش

این رساله با عنوان "روش‌شناسی زبان‌شناسی بر مبنای فلسفه‌ی علم"، بر موضوع بررسی روش‌شناسی زبان‌شناسی، مطالعه‌ی روش‌ها و اهداف زبان‌شناسی و همچنین بر موضوع علمی بودن زبان‌شناسی متمرکز است.

اهداف این رساله به این شرح است:

هدف اصلی:

- بررسی روش‌شناسی (یا روش علمی) زبان‌شناسی

اهداف فرعی:

- بررسی روش‌های رایج در پژوهش‌های زبان‌شناسی
- ارزیابی شواهد مورد استفاده در زبان‌شناسی
- بررسی کاربرد استقرا و قیاس در روش‌های زبان‌شناسی
- مطالعه‌ی قانون‌های موجود در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی
- بررسی ملاک‌های علمی بودن در زبان‌شناسی (مانند عینیت و ابطال‌گرایی)
- بررسی تبیین و علیت و جایگاه آنها در زبان‌شناسی

هدف ویژه:

- بررسی جایگاه زبان‌شناسی در میان علوم دیگر

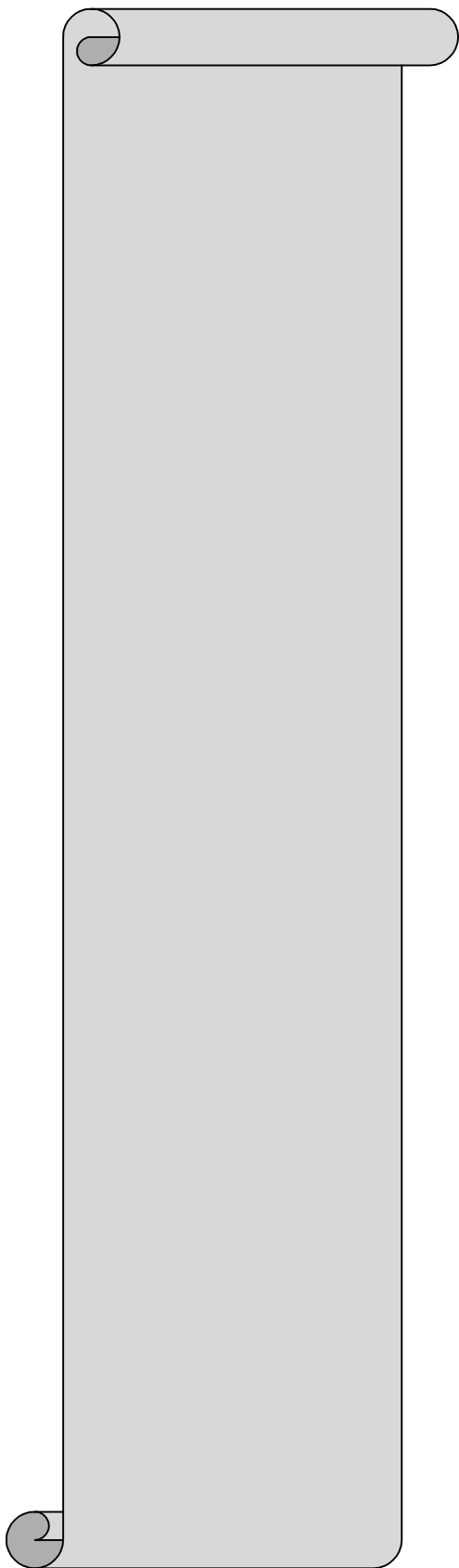
### ۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش که می‌تواند از نوع پژوهش‌های بنیادی محسوب شود، در حکم ارزیابی زیربنای یکی از دانش‌های انسانی با سابقه، یعنی زبان‌شناسی است. هرچند دانش زبان‌شناسی جدید، دو قرن سابقه دارد، اما از قرن‌های متمادی پیش، زبان‌شناسی به صورت‌های مختلف - گاه در شکل فلسفه و گاه در شکل یک حوزه‌ی مستقل - برای اندیشمندان مختلف مطرح بوده و آثار فراوانی درباره‌ی زبان‌های مختلف جهان و بررسی آنها پدید آمده است. زبان‌شناسی امروزه دارای مقام یک دانش مستحکم و معتبر است که در تقریباً تمامی دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود و هزاران استاد، متخصص، و دانشجو را به خود مشغول داشته است. اما با وجود این شهرت و اعتبار، زبان‌شناسی نیز مانند هر حوزه از دانش انسانی، در معرض پرسش‌هایی است که بسیاری اوقات، رنگ فلسفی به خود می‌گیرد. پرسش‌هایی که از دوران باستان در مورد فلسفه، علم، مبانی دانش، شناخت، تجربه، احساس، باور، شهود، و... مطرح بوده است، به ناگزیر در مورد زبان‌شناسی نیز مطرح می‌شود. طرح این پرسش‌ها در برخی موارد، بر روند و مسیر کلی جریان‌های پژوهشی زبان‌شناسی مؤثر بوده است و توانسته توجه زبان‌شناسان و فیلسوفان را به خود جلب کند. این پرسش‌ها علاوه بر به چالش کشیدن مبانی نظری و عملی زبان‌شناسی، نقش این حوزه را در شبکه‌ی دانش‌های انسانی نیز مورد پرسش قرار می‌دهد. البته همانطور که برای همگان شناخته شده است، پرسش‌های فلسفی از این نوع، در بیشتر موارد، دارای پاسخی روشن و قطعی نیستند و نمی‌توانند وضعیت زبان‌شناسی - و همچنین دیگر علوم و دانش‌ها - را به طور حتمی تعیین کنند یا به مجادلات پایان دهند. اما صرف وجود همین پرسش‌ها و مطرح شدن همیشگی آنها، نشان‌دهنده پویایی فلسفه و دانش‌های بشری است و باید به آن، به عنوان یک جریان پیشرونده و آگاهی‌دهنده نگاه کرد. رساله‌ی حاضر نیز، کوششی است مقدماتی در همین راستا و البته در مقام مقایسه با دیگر آثار و اندیشه‌ها، دارای جایگاه و اثر کوچکی خواهد بود. اما در مقام یک رساله‌ی دانشگاهی مقدماتی، می‌تواند راهگشای آثار بیشتری در این زمینه، و البته در زمینه‌ی دانش‌های دیگر محسوب شود. ضرورت این رساله از آنجا روشنتر می‌شود که در زمینه‌ی خاص بررسی روش‌شناسی زبان‌شناسی جدید، تاکنون آثار معدودی در جهان منتشر شده‌اند که نشان از تازه بودن این حوزه‌ی مشترک فلسفه و زبان‌شناسی است. به طور خلاصه، این رساله، کوششی کوچک است برای ارزیابی دوباره‌ی مبانی نظری زبان‌شناسی و شناساندن جایگاه و اهمیت این حوزه از دانش بشری.

## ۴-۱. پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش که به صورت نظری انجام می‌شود، پرسش‌های متعددی وجود دارد که ما درصدد پاسخ دادن به آنها هستیم. مهمترین این پرسش‌ها- که عنوان بخش‌های بعدی این رساله خواهند بود- به این شرح است:

- تعریف زبان‌شناسی و موضوعات مورد توجه آن چیست؟
- اهداف مطالعاتی زبان‌شناسی کدامها هستند؟
- ماهیت و نوع شواهد و داده‌های زبان‌شناسی چگونه است؟
- کاربرد استقرا و قیاس در زبان‌شناسی چگونه است؟
- عینیت در زبان‌شناسی چگونه است و احتمال در آن چه جایگاهی دارد؟
- تبیین و علیت در زبان‌شناسی چگونه است؟
- آیا در زبان‌شناسی، قانون وجود دارد؟
- آیا زبان‌شناسی دارای پارادایم است؟ به عبارت دیگر، آیا در جریان تحول و تاریخ زبان‌شناسی، الگوهایی مسلط از اندیشه‌ی زبان‌شناختی وجود دارد؟
- آیا زبان‌شناسی، ملاک‌های علمی بودن (مانند ابطال‌گرایی و تحدید علم) را دارا است؟
- جایگاه زبان‌شناسی در میان علوم و دانش‌های دیگر چگونه است؟



## فصل دوم

### پیشینه‌ی پژوهش

## ۲-۱. منابع فارسی

### پایان نامه‌ها

از میان پایان‌نامه‌های بسیار زیادی که در حوزه‌ی زبان‌شناسی و مطالعات وابسته در دانشگاه‌های کشور به ثبت رسیده است، تعداد بسیار کمی به موضوع این رساله اختصاص دارند. در بررسی انجام شده از طریق کتاب "چکیده‌ی پایان‌نامه‌های حوزه‌ی زبان و زبان‌شناسی" تألیف محمدمامین ناصح (۱۳۸۶)، و همچنین جست‌وجوی پایگاه مدارک علمی ایران<sup>۱</sup>، تنها دو پایان‌نامه‌ی دانشگاهی در این زمینه به دست آمد که در زیر معرفی می‌گردد.

"غلامحسین نوده‌ی" در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی خود با نام "فلسفه‌ی زبان‌شناسی: بحثی پیرامون علمی بودن زبان‌شناسی" که در سال ۱۳۷۶ و به راهنمایی دکتر علی افخمی در دانشگاه تهران ارائه شده، این موضوع را پی گرفته است. پژوهش او که در قالب ده فصل تنظیم شده است، سعی دارد ضمن ارائه‌ی تعریفی از زبان‌شناسی امروز، ادعای چامسکی و دیگر همفکرانش را مبنی بر اطلاق نام علم به زبان‌شناسی امروزی به چالش بکشد. فصل اول رساله، با عنوان مقدمه، به تعریف فلسفه‌ی علم و نیز فلسفه‌ی زبان‌شناسی می‌پردازد. فصل دوم، در رابطه با موضوع زبان‌شناسی و قلمرو آن، زبان‌شناسی نظری و کاربردی و مسائل زبان‌شناسی امروز، مباحثی را مطرح می‌کند. فصل سوم، در مورد تفاوت زبان‌شناسی تجربه‌گرا و خردگرا می‌باشد. پژوهنده در فصل چهارم، به اهداف مکاتب مطرح زبان‌شناسی امروزی اشاره می‌کند. روش‌شناسی در زبان‌شناسی عنوان بحث ایراد شده در فصل پنجم است. پژوهنده در فصل ششم، در مورد عینیت در زبان‌شناسی و نظریات راجع به آن، و نیز اجزای اصلی این رشته، موضوعاتی را مطرح می‌کند. آرای زبان‌شناسانی مانند لاینز<sup>۲</sup>، پالمر<sup>۳</sup> و کریستال<sup>۴</sup> در مورد علم بودن زبان‌شناسی در فصل هفتم ارائه شده است. پژوهشگر در فصل هشتم، در مورد زبان‌شناسی ساختگرا و نیز زبان‌شناسی زایشی - گشتاری مباحثی را عنوان می‌کند. افق‌های تازه در زبان‌شناسی و امکان محدودتر شدن دامنه‌ی این رشته، موضوعاتی است که در فصل نهم ارائه شده‌اند. در نهایت، فصل دهم به نتیجه‌گیری از مباحث کلی رساله اختصاص یافته است. پژوهشگر پیشنهاد می‌کند که به جای اطلاق عنوان "زبان‌شناسی" به همه‌ی حوزه‌های جدید و پراکنده این رشته، بهتر است از ترکیب "علوم زبانی" به جای "زبان‌شناسی" استفاده شود و ابراز عقیده می‌کند که در این صورت، علوم زبانی، نه به عنوان یک رشته‌ی علمی، بلکه به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی در ردیف علوم سیاسی،

<sup>1</sup> <http://www.irandoc.ac.ir>

<sup>2</sup> Lyons

<sup>3</sup> Palmer

<sup>4</sup> Crystal

علوم دینی و علوم ورزشی به مطالعات خود ادامه خواهد داد و تنها در این صورت است که سوءتفاهم‌های موجود در زمینه‌ی اطلاق واژه "علم" به این رشته، مرتفع خواهد شد.

همچنین، "سیامک خسروی فیروزآبادی"، در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی خود با عنوان "مبانی فلسفی نظریه‌ی زبانی چامسکی" که به راهنمایی دکتر علی درزی و در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه تهران ارائه شده، به موضوع نسبت زبان‌شناسی و فلسفه با تمرکز بر نظرات چامسکی پرداخته است.

## مقاله‌ها

با جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود و کتاب‌نامه‌ها، مقاله‌ای فارسی در مورد موضوع این رساله یافت نشد.

## کتاب‌ها

با جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود و کتاب‌نامه‌ها، کتابی فارسی که به موضوع حاضر اختصاص داشته باشد، یافت نشد. به عبارت دیگر، باید گفت که تاکنون کتابی با موضوع بررسی روش‌شناسی زبان‌شناسی یا بررسی زبان‌شناسی بر مبنای ملاک‌های علمی در ایران منتشر نشده است. اما تعداد محدودی کتاب به زبان فارسی با موضوعاتی نزدیک به موضوع رساله‌ی حاضر وجود دارد که در زیر به طور مختصر به آنها می‌پردازیم.

به عنوان اولین نمونه می‌باید از کتاب کلاسیک "ماکس وبر" (۱۳۸۷) با نام "روش‌شناسی علوم اجتماعی" نام برد که یکی از اولین آثار مربوط به روش‌شناسی علوم اجتماعی و انسانی به شمار می‌رود. وبر در این کتاب با مطرح کردن مباحثی مانند بی‌طرفی اخلاقی در علوم اجتماعی، عینیت در علوم اجتماعی، مطالعات انتقادی درباره‌ی منطق علوم اجتماعی، و امکان عینی و علیت کافی در تبیین تاریخی و اجتماعی، به مسائل روش‌شناختی علوم اجتماعی (به خصوص جامعه‌شناسی و اقتصاد) پرداخته است. به ویژه فصلی از این کتاب با عنوان "عینیت در علوم اجتماعی و سیاست اجتماعی" می‌باید مورد اشاره قرار گیرد که در آن، بحث عینیت در علوم انسانی و اجتماعی پیش کشیده شده است. بنا بر گفته‌ی وبر، پرسش اساسی او در این فصل از کتابش این است که "در رشته‌هایی که پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را مطالعه می‌کنند، وجود حقایق دارای اعتبار عینی، به چه معنا است؟" (ص. ۸۷). یکی از نکات کلیدی که وبر در این بخش مطرح می‌کند این است که "تحلیل علمی مطلقاً عینی از فرهنگ یا ... پدیده‌های اجتماعی وجود ندارد، به این معنا که

تحلیل نمی‌تواند مستقل از نظرگاه‌های یک بعدی خاصی باشد که موضوعات براساس آنها ... انتخاب، تحلیل و در جهت مقاصد تبیینی، سازمان داده می‌شوند.“ (ص. ۱۱۵). یکی از نتیجه‌گیری‌های وبر در این کتاب آن است که علوم اجتماعی دارای روش‌شناسی مستقل از علوم طبیعی و تجربی هستند و موضوع آنها (یعنی انسان، فرهنگ و اجتماع) دارای خصوصیتی متفاوت از موضوعات طبیعی است. به گفته‌ی وبر، نکته‌ی مهم در تمایز علوم اجتماعی از علوم طبیعی این است که علوم اجتماعی (یا به قول وبر، “علوم فرهنگی”) “رشته‌هایی هستند که پدیده‌های زندگی را با توجه به معنای فرهنگی آنها تحلیل می‌کنند.“ (ص. ۱۲۱). بنابراین، معنادار بودن موضوعات علوم اجتماعی (از نظر فرهنگی)، باعث ایجاد شکافی پرنشدنی میان این علوم و علوم طبیعی می‌گردد.

کتاب “روش‌شناسی علوم تجربی: پژوهشی تطبیقی، تاریخی، انتقادی” نوشته “علی حقی” که در سال ۱۳۸۴ و توسط انتشارات سعادت در تهران چاپ شده است، به موضوع روش‌شناسی علوم تجربی یا طبیعی از منظر فلسفه‌ی علم پرداخته است. این کتاب بر موضوعاتی مانند استقرا و قیاس، پوزیتیویسم<sup>۱</sup>، و ابطال‌گرایی و نظرات کسانی مانند پوپر، کوهن<sup>۲</sup>، لاکاتوش<sup>۳</sup> و فایرابند<sup>۴</sup> پرداخته و روند مطالعه‌ی تاریخی روش علوم طبیعی را بررسی کرده است. به طور کلی، این کتاب در مورد مطالعه‌ی روش‌شناختی علوم تجربی نگاشته شده است، ولی می‌توان از آن به عنوان منبعی مفید در بررسی علوم دیگر (و از جمله زبان‌شناسی) نیز استفاده کرد.

همچنین می‌توان از کتاب ارزشمند “فلسفه‌ی علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی” نوشته “تد بنتون” و “یان کرایب” (۱۳۸۶) با ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست و محمود متحد نام برد که که با رویکردی فلسفی و نسبتاً فنی به مطالعه‌ی علوم اجتماعی می‌پردازد. این کتاب، با ارائه‌ی موضوعاتی مانند تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم، جایگزین‌های تجربه‌گرایی، رویکردهای تفسیری و هرمنوتیکی، رویکرد عقلانیت انتقادی، رئالیسم انتقادی، ساختارگرایی، مدرنیسم و پست مدرنیسم، مسائل روش‌شناختی علوم اجتماعی را مطرح می‌کند و می‌تواند برای متخصصان علوم اجتماعی و انسانی، و از جمله زبان‌شناسی، مؤثر باشد. به خصوص سه یا چهار فصل اول این کتاب که با موضوع پوزیتیویسم و اثبات‌گرایی سروکار دارد، می‌تواند در مورد مطالعه‌ی زبان و این که آیا زبان‌شناسی، ملاک‌های پوزیتیویستی (مانند تجربی و قابل مشاهده بودن) را دارد یا خیر، به کار گرفته شود.

همچنین کتاب “فلسفه‌ی علوم اجتماعی” نوشته “آلن راین” (۱۳۸۲) و ترجمه‌ی عبدالکریم سروش با داشتن عناوینی مانند قیاس و تبیین علمی، نقش تئوری‌ها در علم، تبیین علی رفتار، هدف و کارکرد علوم اجتماعی،

<sup>1</sup> positivism

<sup>2</sup> Kuhn

<sup>3</sup> Lakatos

<sup>4</sup> Feyerabend



و پیش‌بینی به عنوان هدف علوم اجتماعی، می‌تواند در جهت مطالعه‌ی روش‌شناسی علوم اجتماعی مفید باشد.

علاوه بر موارد ذکر شده، باید از کتاب پرارزش “زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی” تألیف “محمد دبیرمقدم” نام برد که اگرچه کاملاً در حوزه‌ی نحو زایشی-گشتاری جای می‌گیرد، اما در فصل اول آن، توضیح نسبتاً مفصلاً درباره‌ی موضوع علمی بودن زبان‌شناسی، نظرات مختلف و گاه متناقض زبان‌شناسان در این زمینه و همچنین درباره‌ی موضوع وجود پارادایم و انقلاب‌های علمی در زبان‌شناسی ارائه شده است که می‌تواند به عنوان مقدمه و کلیتی بر بحث روش‌شناسی زبان‌شناسی به کار گرفته شود. نقطه‌ی قوت این کتاب، ارتباط دادن این بحث‌ها با رویکردهای جدید زبان‌شناسی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم و روند توسعه‌ی زبان‌شناسی در این دوره است.

در نهایت، شایسته است از کتاب غنی و پرمحتوای “روندهای بنیادین در دانش زبان” اثر “رومن یاکوبسون”، زبان‌شناس نامدار و پرنفوذ مکتب پراگ نام برد که با ترجمه‌ی کورش صفوی منتشر شده است. این کتاب مختصر اما جامع و فنی، دارای سه فصل است که دو فصل آخر آن با عناوین “جایگاه زبان‌شناسی در میان علوم انسانی” و “زبان‌شناسی و علوم طبیعی” در راستای موضوع این رساله قرار می‌گیرند. یاکوبسون در فصل دوم کتاب خود، به مقام والای زبان‌شناسی در علوم انسانی پرداخته و نمونه‌هایی را در این مورد ذکر کرده است: “زبان‌شناسی در میان مردم‌شناسان و روان‌شناسان، پیشرفته‌ترین و دقیق‌ترین رشته‌ی علوم انسانی انگاشته شده و الگویی روش‌شناختی برای رشته‌های آن به شمار می‌رود (ص. ۲۵). همچنین از پیازه<sup>۱</sup> نقل قول کرده که “زبان‌شناسی به دلیل ساخت نظری و دقت در نقشی که بر عهده دارد، و روابط ارزشمندی که با سایر رشته‌ها به وجود آورده است، پیشرفته‌ترین دانش در میان علوم اجتماعی است” (همان). و درباره‌ی نظر دورکیم<sup>۲</sup> راجع به زبان‌شناسی نوشته است: “می‌توان به نظر دورکیم درباره‌ی تفوق روزافزون زبان‌شناسی در میان علوم اجتماعی و پند پدانه‌ی او درباره‌ی تأسیس نوعی جامعه‌شناسی زبان‌شناختی اشاره کرد” (همان، ص. ۴۵). یاکوبسون در فصل سوم کتاب خود، ارتباط زبان‌شناسی را با علوم طبیعی مانند فیزیک (برای نمونه، فیزیک صوت) و زیست‌شناسی (برای نمونه، ژنتیک) بررسی کرده و مشابهت‌های زبان‌شناسی را با این علوم نشان داده است.

---

<sup>1</sup> Piaget

<sup>2</sup> Durkheim

## ۲-۲. منابع غیرفارسی

### پایان نامه‌ها

با وجود تلاش‌هایی که برای یافتن پایان‌نامه‌های غیرفارسی‌زبان در این حوزه انجام شد، هیچ پایان‌نامه‌ای یافت نگردید.

### مقاله‌ها

در جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنت، تعداد قابل توجهی مقاله و نوشته درباره‌ی روش‌شناسی زبان‌شناسی به دست آمد که بیشتر آنها فاقد نویسنده‌ای مشخص یا ساختاری معیار و قابل ارجاع بودند. بنابراین، از ذکر آنها خودداری کرده و تنها چند مقاله‌ای را که مناسب و قابل ارجاع هستند، معرفی خواهیم کرد.

ادینگتون<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در مقاله‌ی خود با عنوان "زبان‌شناسی و روش علمی" با استفاده از نظرات فیلسوفان علم و زبان‌شناسان پیشرو، روش علمی را در مورد زبان‌شناسی بررسی کرده و در مورد مسائلی مانند تجربه‌گرایی در زبان‌شناسی، شواهد زبان‌شناسی و ابطال‌گرایی نظرات زبان‌شناختی بحث کرده است. او نتیجه می‌گیرد که پیشرفت زبان‌شناسی تنها با دنبال کردن روش‌شناسی علمی ایجاد خواهد شد، یعنی با ارائه‌ی فرضیاتی ابطال‌گرا، عینی و تجربی که قابل آزمون باشد و بتواند با استدلال‌های منطقی و فلسفی همراه شود.

بوئکس و پیاتلی-پالمارینی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مقاله‌ی خود با عنوان "زبان به عنوان یک شیء طبیعی، زبان‌شناسی به عنوان یک علم طبیعی" بیان می‌دارند که انقلاب چامسکیایی در زبان‌شناسی در دهه‌ی ۱۹۵۰، از طریق تغییر چشم‌انداز زبان‌شناسی، آن را از اساس به شاخه‌ای از علم شناختی<sup>۳</sup> (و در نهایت، زیست‌شناسی) تبدیل کرده است. به عبارت دیگر، زبان‌شناسی به تدریج به شاخه‌ای از علوم طبیعی تبدیل شده و به دنبال بررسی و تبیین زبان، به عنوان یک شیء طبیعی است. آنها روش‌شناسی رویکردهای جدید زبان‌شناسی چامسکیایی (مانند برنامه‌ی کمینه‌گرایی<sup>۴</sup>) را با روش‌شناسی علوم توسعه‌یافته مانند فیزیک مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرند که زبان‌شناسی امروزی دارای قدرت تبیینی فراتر از آنچه که چامسکی و پیروانش مطرح کرده بودند، است.

<sup>1</sup> Eddington

<sup>2</sup> Boeckx & Piattelli-Palmarini

<sup>3</sup> cognitive science

<sup>4</sup> minimalism program

همچنین، کوستر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) در مقاله‌ی خود "آیا زبان‌شناسی، یک علم تجربی است؟"، با بررسی نظرات مختلف در مورد جایگاه زبان، زبان‌شناسی را بر مبنای الگوهای طبیعت‌گرایی (عینیت‌گرایی) و افلاطون‌گرایی (شهودگرایی) بررسی کرده و نقاط ضعف و قوت هر دیدگاه را یادآور شده است. او بیان می‌دارد که "زبان‌شناسی، نمی‌تواند به علوم طبیعی کاهش پیدا کند<sup>۲</sup> یا با آنها یکی شود" (ص. ۲) و "زبان‌شناسی، حوزه‌ای همانند ریاضی است، که بیشتر به مطالعه‌ی همگانی‌ها می‌پردازد تا به چیزهایی که موضوع علوم طبیعی هستند" (ص. ۸). در این مقاله، تأکید خاص کوستر بر همگانی‌های<sup>۳</sup> زبانی و اهمیت مطالعه‌ی آنها قابل توجه است.

آنتوویچ<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) در مقاله‌ی خود با نام "نیم‌قرن زبان‌شناسی زایشی: این پارادایم به علم اجتماعی چه داده است؟" با بررسی رویکرد زایشی در زبان‌شناسی جدید و تحولات آن در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، برخی اثرات زبان‌شناسی زایشی را بر علوم دیگر و تحولات علمی نیمه‌ی دوم قرن بیستم شرح داده است. یکی از ادعاهای آنتوویچ که به رساله‌ی حاضر نیز مربوط است، این گونه می‌باشد: "... زبان‌شناسی زایشی، از لحاظ روش‌شناسی، به فعالیت‌های نظری علوم طبیعی نزدیک است. [زبان‌شناسی زایشی]، با دانش تجربی بنیادی مغز انسان مطابقت دارد، ولی در اساس، هنوز حوزه‌ی اندیشه‌ورزانه<sup>۵</sup> بر پایه‌ی قیاس عقلگرا<sup>۶</sup> باقی مانده است" (ص. ۳۹). نویسنده در این مقاله، بحث کرده است که یکی از اثرات رویکرد زایشی در صحنه‌ی علوم و روش‌شناسی علمی، کمرنگ کردن مرزبندی میان علوم طبیعی و اجتماعی - به دلیل نزدیک نمودن روش‌شناسی زبان‌شناسی و علوم شناختی به روش‌شناسی علوم طبیعی - بوده است.

## کتاب‌ها

به عنوان اولین مورد، می‌باید از اثر کلاسیک بنجامین لی وورف<sup>۷</sup> یعنی "زبان، اندیشه و واقعیت" نام برد، به ویژه فصل‌های ۱۶ و ۱۷ آن با عنوان‌های "علم و زبان‌شناسی" و "زبان‌شناسی به عنوان یک علم دقیق"<sup>۸</sup> که در راستای موضوع رساله‌ی حاضر هستند. در فصل‌های ذکر شده‌ی این کتاب، وورف استدلال می‌کند که زبان‌شناسی می‌تواند به عنوان اساسی برای دیگر علوم محسوب شود، چرا که "زبان" مبنایی برای پیشرفت

---

<sup>1</sup> Koster

<sup>2</sup> reduce

<sup>3</sup> universals

<sup>4</sup> Antović

<sup>5</sup> speculative

<sup>6</sup> rationalist deduction

<sup>7</sup> Benjamin Lee Whorf

<sup>8</sup> exact science

آگاهی انسان و الگوبندی دانش بشری است. وورف همچنین بیان می‌دارد که زبان‌شناسی، به علت دقت موضوعاتی که دنبال می‌کند (به خصوص دقت آوایی و واجی) می‌تواند به عنوان یک علم دقیق شمرده شود. وورف در فصل ۱۷ کتاب خود، با بررسی داده‌ها، روش‌ها و کاربردهای زبان‌شناسی در علوم دیگر، نتیجه می‌گیرد که «زبان‌شناسی، نیز یک علم تجربی [یا آزمایشی] است. داده‌های آن از مجموعه‌ای طولانی از مشاهدات تحت شرایط کنترل‌شده نتیجه می‌شود که اگر به طور نظام‌مند تغییر یابند، پاسخ‌های متفاوت و معینی را ایجاد می‌کنند. آزمایش‌ها توسط مجموعه‌ای نظری از دانش هدایت می‌شوند، همانند فیزیک یا شیمی. آنها معمولاً نیازی به دستگاه‌های مکانیکی ندارند. زبان‌شناسی به جای دستگاه، از فنونی خاص استفاده می‌کند. تجربی به معنای کمی<sup>۱</sup> نیست. اندازه گرفتن، وزن کردن، و استفاده از ابزار به ندرت در زبان‌شناسی ضرورت می‌یابد...» (وورف، ۱۹۷۸، ص. ۲۳۰). همچنین «زبان‌شناس تجربی، مانند یک زیست‌شناس، می‌باید از حیوانات آزمایشگاهی استفاده کند. اما حیوانات او، انسان‌ها هستند» (همان، ص. ۲۳۱). و در نهایت، «اگرچه زبان‌شناسی، یک علم بسیار قدیمی است، ولی مرحله‌ی تجربی جدید آن، که بر تحلیل گفتار نانوشته تأکید دارد، می‌تواند یکی از جدیدترین‌ها نامیده شود.» (همان، ص. ۲۳۲).

در میان آثار جدید، سمپسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) با کتابی با عنوان «زبان‌شناسی تجربی» شایسته‌ی نام بردن است. در این کتاب که به بررسی زبان‌شناسی تجربی اختصاص دارد، سمپسون، که خود از صاحب‌نظران مشهور زبان‌شناسی پیکره‌ای<sup>۳</sup> است، به بررسی نقش تجربه و عینیت در رویکردهای مختلف زبان‌شناسی پرداخته است. به ویژه فصل ۸ این کتاب با عنوان «شواهد عینی، تمام آن چیزی است که ما نیاز داریم» با موضوع این رساله ارتباط مستقیم دارد. سمپسون در این فصل، با نامربوط دانستن «شهود»<sup>۴</sup>، آنگونه که در زبان‌شناسی زایشی مطرح شده، قابل اعتماد بودن آن را رد کرده است. به گفته‌ی او «این ادعای زبان‌شناسی زایشی که زبان‌شناسی بر شواهد درون‌نگرانه<sup>۵</sup> متکی است، ناموجه است» (ص. ۱۳۵). سمپسون در این کتاب، به دنبال ارائه‌ی راه‌حلی برای مستقر کردن زبان‌شناسی بر پایه‌ی شواهد تجربی و عینی است. در مجموع، این کتاب که طبق جست‌وجوی انجام شده توسط نگارنده، بسیار بحث‌انگیز و مورد ارجاع‌های فراوان بوده است، می‌تواند به عنوان موضعی مخالف مواضع غالب زبان‌شناسی امروز- که رویکرد زایشی را به عنوان رویکرد پیروز و یکه‌تاز زبان‌شناسی می‌شناسند- محسوب شود.

---

<sup>1</sup> quantitative

<sup>2</sup> Sampson

<sup>3</sup> corpus linguistics

<sup>4</sup> intuition

<sup>5</sup> introspective

همچنین، ینگوه<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) در کتاب خود با عنوان "زبان‌شناسی به عنوان یک علم"، موضوع علمی تلقی کردن زبان‌شناسی را به بحث گذاشته است. در این کتاب، ینگوه بحث می‌کند که زبان، یعنی هدف مطالعه‌ی زبان‌شناسی، هیچ شیء متناظری در جهان واقعی ندارد و از این رو، نمی‌تواند در مقابل واقعیت فیزیکی - که بنا به ادعای ینگوه، ملاکی ضروری برای مطالعه‌ی علمی است - آزمون شود. بر این مبنا، او نتیجه می‌گیرد که زبان، چیزی نیست که بتواند به طور علمی، در معنای دقیق کلمه، مطالعه شود، و زبان، هیچ انتزاع یا الگو یا نظریه‌ی خاصی از چیزی نیست، چرا که چیزی وجود ندارد که انتزاع، الگو یا نظریه‌ی آن باشد. بنا بر دیدگاه ینگوه، هر ادعایی مبنی بر این که زبان‌شناسی، مطالعه‌ی علمی زبان است، نمی‌تواند منطقی و منسجم باشد. ینگوه، برای اجتناب از این تناقض ذاتی، مطالعه‌ی زبان‌شناسی انسان را پیشنهاد می‌کند، یعنی مطالعه‌ی علمی افراد و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر. این نظریه بنا بر خصوصیات استوار می‌شود که در رفتار ارتباطی افراد خاص قابل مشاهده است. این خصوصیات می‌تواند در طی زمان تغییر کند و می‌تواند اثری علی بر دیگر خصوصیات داشته باشد. ینگوه، نظام مقدماتی مفهومی‌ای را برای بیان این خصوصیات و قواعد همگانی مشاهده‌ی بنیادی که بر این خصوصیات حکمفرما هستند، مطرح می‌کند. نکته‌ی مهم در اینجا، جزئیات نظریه نیست، بلکه بیشتر بنیادها و فرضیات اساسی نظریه است. ینگوه، پس از ارزیابی دوباره‌ی مبانی نظری نظریه‌ی زبان‌شناختی، مبنایی جدید مطرح می‌کند که بنا به ادعای او، از برخی مشکلات بنیادی نظریه‌ی زبان‌شناختی دوری می‌کند. استدلال‌های ینگوه در سراسر این کتاب، به دنبال به چالش کشیدن وضعیت معمول پذیرش فرضیات اقتدار سنتی موجود در بسیاری از نظریه‌های زبان‌شناختی است.

همچنین، هگمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در کتاب خود "اندیشیدن نحوی: راهنمایی برای استدلال و تحلیل" و در فصل مقدماتی آن، به موضوع "زبان‌شناسی به عنوان یک علم" پرداخته و در همین راستا، موضوعاتی نظیر "تبیین"، "استقرا" و "قیاس" و کاربرد آنها را در زبان‌شناسی مطرح کرده است. به علاوه، پدیده‌ی زبانی را بر حسب مواردی مانند ابهام<sup>۳</sup>، داده، و پیش‌بینی بررسی کرده و روند رسیدن از داده‌های خام زبانی را به تعمیم<sup>۴</sup> با ذکر چند مثال نشان داده است.

در نهایت، می‌باید از کتاب ووندرلیش<sup>۵</sup> (۱۹۷۶) با نام "روش‌شناسی زبان‌شناسی" نام برد که به طور مستقیم به موضوع رساله‌ی حاضر اختصاص دارد. این کتاب نسبتاً قدیمی به مباحثه‌های میان چند تن از زبان‌شناسان و فیلسوفان آلمانی در مورد روش‌شناسی و روش علمی زبان‌شناسی پرداخته است. در نه بخش این کتاب، نه موضوع (مانند بحث درباره‌ی تجربی بودن زبان‌شناسی، دستور و نظریه‌های تجربی، مفهوم تجربه در

<sup>1</sup> Yngve

<sup>2</sup> Haegeman

<sup>3</sup> ambiguity

<sup>4</sup> generalization

<sup>5</sup> Wunderlich

زبان‌شناسی، نسبت نظریه‌های زبانی با دستور، توسعه‌ی علمی زبان‌شناسی، و مفاهیم و عناصر پایه‌ی زبان‌شناسی) مورد بحث و گفت‌وگوی افراد قرار گرفته است. این کتاب از نظر رویکرد، جالب و بدیع است، ولی به علت قدیمی بودن و دربرنگرفتن رویکردهای جدیدتر زبان‌شناسی (از اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰)، فاقد اطلاعات جدید و امروزی است و در نتیجه نمی‌تواند به منظور بحث در مورد جریان‌های اخیر زبان‌شناسی مفید باشد.